

## از کتابداری و اطلاع‌رسانی تا علم اطلاعات و دانش‌شناسی

اهمیت نام و نام‌گذاری بر کسی پوشیده نیست. نام نشان‌دهندهٔ هویت و ماهیت پدیده است و یا آنکه باید باشد. آنان که نام نیکو می‌نهند، یا بر واقعیت موجود صحنه می‌گذارند و یا انتظار خود را در قالب نام نیکو بیان می‌کنند. گفته‌اند «الظاهرُ عنوانُ الباطن» یعنی ظاهر نشانگر باطن است و البته برعکس آن را هم گفته‌اند که «از کوزه همان برون تراود که در اوست». پس ظاهر و باطن لازم و ملزوم یکدیگرند و یا دو روی یک سکه‌اند.

وقتی نامی عوض می‌شود، طبیعی است که موافقان و مخالفانی داشته باشد هر چند قبل از تغییر نام همه به نوعی با تغییر موافق بوده باشند. عده‌ای ممکن است بگویند با تغییر موافق نبوده‌اند. عده‌ای دیگر بگویند با تغییر موافق بوده‌اند اما نه با این تغییر. ولی آنچه مسلم است این است که نمی‌توان همه را راضی کرد. من در مقالات خود در کتاب مقدمه‌ای بر هویت کتابداری و اطلاع‌رسانی (مقالات، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱) در این باره بحث کرده‌ام و تغییراتی را در این زمینه پذیرفته‌ام. ابتدا به دانش‌شناسی گرایش داشتم سپس آن را به بازیابی اطلاعات به‌عنوان اصلی‌ترین کارکرد حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی روی آوردم و سرانجام به «علوم اطلاعات» به‌عنوان چتر حمایتی برای حوزهٔ بزرگ کتابداری و اطلاع‌رسانی رسیدم اما سرانجام نظر جمع بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی قرار گرفت.

نکتهٔ دیگر آنکه وقتی به معادل لاتین این تغییر نام دقت کنیم می‌بینیم که تغییر زیادی هم صورت نگرفته است و به Information Science تنها Knowledge اضافه شده است و اگر بپذیریم که در بسیاری از موارد اطلاعات و دانش با هم همپوشانی دارند و با هم همگام و قرین‌اند، در این صورت ملاحظه خواهیم کرد که در واقع همان Information Science است که در این تغییر نیز لحاظ شده است.

اینکه چرا بعضی‌ها با فارسی این نام موافق نیستند به نظر من دلیل آن نارسائی زبان‌ها در بیان و یا معادلیابی دقیق در ترجمه است و نیز عدم دقت در بومی‌سازی می‌تواند دلیل دیگری باشد. مثلاً وقتی می‌گوئیم علم اطلاعات و آن را دقیقاً ترجمه و یا معادل Information Science

می‌گیریم باید توجه داشته باشیم که علم و اطلاعات اگر چه هم‌ریشه نیستند اما به گونه‌ای مترادف‌اند. اگر به ترجمه عربی اطلاعات بنگرید که به آن «معلومات» گفته‌اند، این مترادف بیشتر ظاهر می‌شود. مثال دیگر در Information Studies است که آن را به مطالعات اطلاعات بعضاً ترجمه کرده‌اند اما از آنجا که هر دو واژه از یک ریشه‌اند، هم لفظاً خوشایند نیست و هم از نظر معنایی دارای ابهام است در حالی که با قدری تسامح می‌توان آن را به علوم اطلاعات ترجمه کرد و مشکلی هم پدید نمی‌آید. مطالعات اطلاعات و علوم اطلاعات اگر چه هر دو یک واقعیت را بیان می‌کنند اما در اولی هر دو کلمه از ریشه «طَلَع» است در حالی که دومی دو ریشه جداگانه دارد.

در هر حال به تصمیمی که کمیته برنامه‌ریزی کتابداری و اطلاع‌رسانی قدیم در سطح وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری گرفته است باید پایبند بود و همگان باید به ترویج آن تأکید کنند اگر چه هر کسی ممکن است نظر خاص خود را داشته باشد. مقبولیت و مشروعیت دو عنصر مهم در پذیرش هر مفهوم و یا عنوان جدید است.

نکته دیگر اینکه باید توجه داشت که هم در گذشته و هم در حال حاضر ماهیت رشته تغییر پیدا نکرده است و وسعت و فراگیری آن، همچنان حرف اول را می‌زند. این حوزه علمی هم فراگیر است و هم انعطاف‌پذیر و بسیاری از حوزه‌های علمی را با خود دارد و یا می‌تواند با آنها مشارکت کند همچنانکه خاصیت همه علوم و به‌ویژه علوم انسانی است که باید با مشارکت با علوم دیگر به حیات و توسعه خود بپردازد. اما همچنانکه بارها گفته‌ام اطلاعات همچون علم فراگیر است که احدی از آن فارغ نیست پس باید مشخص شود که این حوزه دانشی از چه جنبه آن باید اطلاعات را مورد توجه قرار دهد. در مقایسه بین عنوان قدیم و جدید باید گفت که اگر چه عنوان جدید نارسائی‌های قدیم را تا حدودی در بر ندارد اما به نوبه خود الزاماتی را با خود دارد که باید همه سخت بر آن واقف باشند و برای کاستی‌های آن هم چاره کنند. بنابراین در پذیرش عنوان جدید باید:

۱. محتوا بیش از هر چیز دیگر مدنظر باشد. دغدغه بسیاری این است که با تغییر نام آیا محتوا هم عوض می‌شود یا همان محتوای قبلی است. مشارکت همگان و به ویژه استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی برای بهینه کردن محتوا نقش به‌سزایی دارد.

۲. مشخص کنیم که آیا این عنوان، کتابداری را در دل خود دارد یا خیر. با توجه به اینکه بخش اعظم این رشته با کتابخانه‌ها رابطه مستقیم دارد باید مشخص شود کدام بخش این عنوان دو بخشی، با کتابداری و کتابخانه‌ها مرتبط است. عدم روشن کردن این مسأله مشکلات فراوانی را در بر خواهد داشت زیرا از آنجا که کتابخانه‌ها بخش اعظم کتابداری است و کار در آن یکی از وظائف فارغ‌التحصیلان این حوزه است، باید برخورد با کتابداری برخوردی فراگیر باشد. باید روشن نمود که آیا علم اطلاعات به کتابداری نزدیک‌تر است و یا دانش‌شناسی. و در هر دو مورد باید پاسخی قانع‌کننده داشت. می‌توان گفت که اطلاعات چون خمیرمایه همه دانش‌هاست و کتاب و کتابخانه‌ها حاوی اطلاعات هستند بنابراین اطلاعات توجه به محتوای کتاب و کتابخانه‌ها دارد؛ به این معنا که علم اطلاعات ناظر به مظلوف است که ظرف آن در دو سطح کتاب و کتابخانه است زیرا منطقی نیست که ما مظلوف را مورد توجه قرار دهیم و ظرف آن را نادیده بگیریم.

در مورد دانش‌شناسی و ربط آن با کتابداری و کتابخانه‌ها هم می‌توان نظر داد؛ زیرا کار در کتابخانه‌ها به نوعی با دانش‌شناسی مرتبط است. زیرا کتابداران برای سازماندهی منابع و مدارک خود، ناگزیر باید با دانش‌شناسی، همانند آنچه در سرعنوان‌های موضوعی، رده‌بندی‌ها و اصطلاحنامه‌ها آمده است آشنا شوند. این آشنایی هر چه بیشتر باشد توانایی دارندگان تخصص این حوزه را قوی‌تر می‌کند. ترابط و تداخل موضوعات و شناسایی آنها، مقدمه سازماندهی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی است.

۳. نکته دیگر اشاعه است و آن این است که باید مشخص شود اشاعه از این تغییر نام استفاده می‌شود یا خیر. ممکن است عده‌ای بگویند این عنوان بیش از آنکه اجتماعی باشد تأکید بر فرد دارد و متخصص این حوزه کسی است که واقف به علم اطلاعات و دانش‌شناسی است اما لزومی به اشاعه به عنوان وظیفه در آن مشاهده نمی‌شود. در حالی که تاکنون یکی از جنبه‌های مشوق و قابل توجه کتابداری و اطلاع‌رسانی تأکید بر اطلاع‌رسانی و اشاعه آن بوده است. تاکنون توجه به کاربر و برآوردن نیازهای او از طریق ارسال خواسته‌های یکی از محورهای مورد تأکید بوده است. اگر نتوانیم چنین ربطی را پیدا کنیم در واقع بخش مهمی از وظیفه حرفه‌مندان این حوزه را حذف کرده‌ایم و اجتماعی بودن رشته را به چالش کشیده‌ایم. مطلبی

که در تاریخ این حوزه به‌طور چشمگیری خودنمایی می‌کرده و هنوز هم می‌کند و آن را جزو افتخارات این رشته می‌دانند. اشاعه اطلاعات یعنی توجه به کاربران و دنیای اطلاعاتی آنان در اسرع وقت و با کمترین هزینه. تعریفی که اینجانب برای حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی داشته‌ام می‌تواند با تعدیلاتی اینجا هم مطرح شود به این قرار:

علم اطلاعات و دانش‌شناسی، علم بازیابی و اشاعه اطلاعات و دانش است که ضمن بررسی چیستی و شناخت اجمالی اطلاعات و دانش از روابط طولی و عرضی اصطلاحات تخصصی در حوزه‌های مختلف با توجه به دقت، سرعت، صحت و منفعت (مدیریت) آن برای کاربران (فردی و جمعی) بحث می‌کند.

۴. عنوان علم اطلاعات و دانش‌شناسی بر روی این حوزه ما را وادار می‌کند که نسبت به چیستی اطلاعات بی‌تفاوت نباشیم به این معنا که اگر در کتابداری و اطلاع‌رسانی ما مدعی بودیم که سروکارمان با کتاب و رساندن اطلاعات است فارغ از اینکه اطلاعات چیست اما با پذیرش عنوان جدید دیگر نمی‌توان از زیر بار دانستن چیستی اطلاع و اطلاعات طفره رفت؛ زیرا منطقی نیست که بگوئیم ما متخصص و یا دانش‌آموخته علم اطلاعات هستیم اما نمی‌دانیم اطلاع چیست و یا نظریه‌های فراوانی درباره آن وجود دارد و یا دارای ابهام است و یا هنوز جمع‌بندی بر روی آن صورت نگرفته است. بنابراین یکی از رسالت‌های این حوزه، تحقیق و بررسی و ارائه طریق در زمینه شناسائی اطلاع و اطلاعات است و اینکه مثلاً آیا چیز (شئی) است، فرایند است، نشانه است، و یا همه اینها. اینجانب تعریفی در مورد اطلاع در مقاله اطلاع چیست عرضه کرده‌ام که عبارتست از:

اطلاع عبارتست از اشراف انسان بر نسبت‌های موجود بین اجزاء یک پدیده با هم و آن پدیده با پدیده‌های دیگر جهان.

در مورد پدیده‌های زنده باید گفت که این موجودات دارای قوه‌هایی هستند که به فعل درمی‌آید. نسبت قوه به فعل و یا برعکس آن هم اطلاع است. اطلاع اگر صرفاً اشراف بر یکی از این نسبت‌ها باشد واحد و بسیط است و چون تجمیع و یا ترکیب شود اطلاعات است و چنانچه در سیستم و مجموعه‌ای هماهنگ قرار گیرد و هدفمند باشد دانش خواننده می‌شود. اطلاع و دانش در آغاز بیرونی و خارجی است و سپس ذهنی و درونی می‌شود و مجدداً توسط

انسان بیرونی می‌شود. در این بیرونی شدن یا کپی‌برداری است و یا نقطه‌نظر و دیدگاه فرد هم به آن اضافه می‌شود که این بخش اضافه می‌تواند فردی و شخصی باشد که آن هم به نوبه خود در طول زمان، قبلاً بیرونی بوده و حال جزو حافظه تاریخی فرد و جامعه قرار گرفته است. در هر حال ایجاد گروهی به نام گروه تاریخ و فلسفه اطلاعات که عهده‌دار تبیین این چستی‌ها باشد بیش از پیش در این حوزه معرفتی ضرورت پیدا می‌کند.

۵. نکته آخر توجه به شغل و بازار کار است. ممکن است عنوان جدید در بین اهل علم و دانشگاهیان از جذابیت بیشتری برخوردار باشد اما بازار کار و به‌ویژه کتابخانه‌ها و مدیران ارشد آنها با این اصطلاح آشنا نیستند و رابطه فارغ‌التحصیلان را با بازار کار درک نمی‌کنند. جا انداختن این قضیه، به‌ویژه از طرف آنهایی که تأکید فراوانی بر حرفه بودن حوزه کتابداری دارند امری ضروری است و تعریف دروسی که بتواند بیانگر این ارتباط باشد حتمی است.

۶. آنچه باید مد نظر قرار گیرد این است که آیا این نام جدید نام حوزه فراگیر است و یا آن را معادل کتابداری و اطلاع‌رسانی به عنوان یک رشته (آنچه تا کنون بوده است) قرار داده‌ایم. از فحوای بعضی پرسش‌ها مبنی بر اینکه متخصص این حوزه را چه بنامیم، آیا دانشورز بگوئیم و یا دانش‌شناس و مانند آن چنین بر می‌آید که چنین ابهامی وجود دارد<sup>۱</sup>. باید گفت یکی از دغدغه‌های مطرح در سطح عالی در کمیته پیش‌گفته، نامگذاری بر روی کلان حوزه بوده است. در جلسات آغازین شرکت در این کمیته پیشنهاد مپسوطی ارائه شد که اگر چه عملاً مورد بحث قرار نگرفت ولی سایه چنین فکری بر جلسات و بحث‌ها حاکم بود. توضیح اینکه اگر حوزه کلی را  $D$  به معنای دیسیپلین و حوزه‌ها و گروه‌های زیرین آن را  $d_1, d_2, d_3, \dots$  بنامیم این نام جدید باید نام حوزه فراگیر ( $D$ ) باشد. در این صورت حوزه‌های گوناگون ریزتر در زیر این مجموعه بزرگ به فعالیت مشغول خواهند بود. لذا در زیر دیسیپلین علم (علوم) اطلاعات و دانش‌شناسی، زیر شاخه‌های علم‌سنجی، آرشیو (یادمانه‌ها)، دانشنامه‌نگاری، نسخه‌شناسی، اقتصاد اطلاعات و مانند آن به کار خود ادامه خواهند داد. کتابداری و اطلاع‌رسانی هم می‌تواند هم با چهار گرایش و یا چهار رشته مستقل حضور داشته باشد. در این صورت نگرانی

۱. من هم در مقاله «آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی منتظر نام است» نام‌هایی را پیشنهاد کرده‌ام (مقدمه ای بر هویت...، ۱۳۸۹، ۳۰۵-۳۰۶).

کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی هم مرتفع خواهد شد. مثال آن را می‌توان در دانشکده‌های مختلف مثل روانشناسی و علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، و دیگر حوزه‌های علمی دید که تخصص‌های ریزتر در داخل آن به فعالیت مشغول‌اند و مشکلی هم برای نامگذاری ندارند. مشکل نام برای متخصص، بیشتر در حوزه کار و فعالیت رخ می‌نماید مثل روانشناس، پزشک و مانند آن. فارغ‌التحصیلان در حوزه آموزش عالی، برنامه‌ریزی، و مانند آن نیاز به نام خاص ندارند.

۷. می‌توان در آینده در مورد فارغ‌التحصیلان این حوزه با تخصص‌های پایه هم وارد شور شد. به این معنا که همچنانکه در گذشته کارشناسی سایر رشته‌ها به این حوزه وارد می‌شدند و تقریباً تخصص مضاعف می‌گرفتند، کارشناسان رشته‌های گوناگون می‌توانند در تحصیلات تکمیلی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی شرکت کنند تا بتوانند بیشتر به نیاز جامعه پاسخ گویند.

آنچه مسلم است این آغاز راه است و تا رسیدن به همه اهداف راه زیادی در پیش است. امید است همدلی همه دلسوزان و علاقمندان کار را به سامان برساند. انشاءالله

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی